



/https://www.irna.ir/news/83335094

۱۰ خرداد ۱۳۹۸ - ۱۵:۰۵

کد خبر 83335094

جهان / دفتر مادرید



موسویان: بدون همکاری قدرت های منطقه بحران خاورمیانه حل نمی شود

مادرید- ایرنا- «سید حسین موسویان» پژوهشگر دانشگاه پرینستون در مقاله ای برای مجله دانشگاه آمریکایی قاهره نوشت: وجود بحران های متعدد، خاورمیانه را در بدترین وضعیت قرار داده و بدون همکاری قدرت های منطقه ای این بحران حل شدنی نیست.

عضو سابق گروه مذاکره کننده هسته ای ایران ادامه داد: تاکنون مدل عملی و کارآمد برای حل بحران های منطقه خاورمیانه و اعاده صلح پایدار ارائه نشده است. بحران های خاورمیانه فرمها و ابعاد مختلف دارند، از تجاوز صدام به ایران و کویت و تجاوز آمریکا به عراق گرفته تا ظهور گروه های تروریستی داعش و القاعده. وجود بحران های متعدد، خاورمیانه را در بدترین وضعیت بحرانی هفتاد سال گذشته قرار داده است.

وی افزود: نظامها و سازمان های عربی همچون اتحادیه عرب و شورای همکاری های خلیج فارس در حل بحران ها شکست خورده اند. بعد از این هم اول، تا زمانیکه همکاری جمعی بین همه قدرت های منطقه ای وجود نداشته باشد، بحران ها قابل حل نخواهند بود.

دوم، عملکرد قدرت های منطقه ای نیز نباید در جهت عکس یکدیگر باشد. در حالی که یک قدرت منطقه ای مثل ایران با تمام ظرفیت برای نابودی گروه های تروریستی همچون داعش مبارزه می کند، قدرت دیگر منطقه ای همچون عربستان از نظر مالی و تسلیحاتی گروه های مذکور را مورد حمایت قرار داده است. تا زمانیکه این تضاد ادامه داشته باشد، بحران ها قابل مدیریت نخواهند بود.

نقش ایران در خاورمیانه پس از انقلاب ۱۹۷۹

موسویان تصریح کرد: پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، ایران به عنوان قدرتی مستقل از ابرقدرت های شرق و غرب، در منطقه ظهور یافت. تاریخ روابط آمریکا با ایران قبل از انقلاب همچون کودتا علیه حکومت مصدق و سلطه کامل در دوران شاه، زمینه ساز منازعات آمریکا و متحدین منطقه ای آمریکا با ایران بعد از انقلاب شد. سیاست آمریکا بعد از انقلاب همچون پشتیبانی از تجاوز صدام به خاک ایران، حمایت از کاربرد سلاح های کشتار جمعی و چهل سال تلاش برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، نیز این منازعات را عملیاتی کرد.

پژوهشگر دانشگاه پرینستون خاطرنشان ساخت: با وجود همه بدی های کشورهای عربی به ایران، زمانی که صدام در سال ۱۹۹۰ به کویت تجاوز کرد، ایران در کنار کویت علیه تجاوز صدام ایستاد. در نیمه دهه ۹۰ نیز مرحوم رفسنجانی به اینجانب مأموریت داد تا با ولیعهد وقت عربستان برای بهبود روابط مذاکره کنم. این مذاکرات محرمانه موجب توافقات مهم و بهبود روابط از نیمه دهه ۹۰ شد و تا حدود ۱۰ سال روابط حسنه میان دو کشور در چهارچوب توافقات مذکور ادامه یافت.

زمانی که روحانی رئیس جمهور شد، سیاستش بر این بود که بحران هسته ای را از طریق دیپلماسی با قدرت های جهانی حل نموده و روابط را با کشورهای عربی همسایه بویژه عربستان بهبود بخشد که عربستان با اعدام شیخ نمیر و متعاقباً حمله عوامل خودسر داخل ایران به سفارت عربستان در تهران، این تلاش ناکام ماند. وی نوشت: در عین حال ایران، در مورد آمریکا هم بارها حسن نیت نشان داد درحالی که همواره آمریکایی ها بدعهدی کردند. کمک دولت هاشمی رفسنجانی به آزادی گروگان های غربی و آمریکایی در لبنان، همکاری دولت «محمد خاتمی» با آمریکا در جنگ علیه تروریسم و سلطه طالبان بر افغانستان، همکاری نیروهای عراقی متحد ایران با آمریکا بعد از سقوط صدام در دوران خاتمی و همکاری دولت روحانی در حل بحران هسته ای و حصول برجام، چهار نمونه آشکار حسن نیت های ایران و بدعهدی های آمریکاست.

موسویان افزود: عربستان نیز از ابتدای مذاکرات هسته ای ایران و قدرت های جهانی در مسیر حل مسالمت آمیز آن، کارشکنی کرد زیرا خواهان استمرار فشارها و تحریم های علیه ایران بود. ریاض بجای تعامل و همکاری با ایران در منطقه، همیشه مسیر تقابل را طی کرده و شکست خورده است. ضمن اینکه خطاهایی همچون گروگان گرفتن حریری نخست وزیر لبنان، حمله به یمن و مثله کردن جمال خاشقجی، "ساخت عربستان" بود و ربطی هم به ایران نداشت.

مدل حل بحران در خاورمیانه

به عقیده موسویان، ارائه اصول و مدل عمومی برای حل بحران های خاورمیانه ضروری است. این مدل می تواند بر اساس اصول ذیل باشد:

۱- درک مشترک از اصول کلی نتیجه معامله نهایی (آخر خط).

در موضوع هسته ای ایران هم چنین شد. ایران و قدرت های جهانی ابتدا توانستند در مورد کلیات نتیجه نهایی معامله توافق کنند که عبارت بود از:

الف: تأمین حقوق هسته ای شامل غنی سازی و آب سنگین و رفع تحریمها برای ایران

ب: در مقابل تعهد عدم ساخت بمب هسته‌ای توسط ایران.

۲- توقف رقابت‌های منطقه‌ای مخرب و متضاد قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی در دوره مذاکرات.

عملکرد متضاد قدرت‌های جهانی بویژه آمریکا و روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای بخصوص ترکیه، عربستان و ایران، مسیر صلح را به بن بست می‌کشاند.

۳- تضمین تمامیت ارضی کشورهای درگیر بحران.

برخی اصرار دارند که تجزیه تنها راه حل برخی از بحران‌ها مثل بحران سوریه است. درحالی‌که مسیر تجزیه صرفاً باعث توسعه بحران‌ها خواهد شد.

۴- اداره کشور بر اساس خواست اکثریت همراه با تأمین نقش و جایگاه اقلیت‌ها در اداره کشور بحران زده.

این مهم باید از طریق انتخابات آزاد با نظارت سازمان ملل تأمین شود تا خواست عمومی ملت‌های بحران زده در مورد قانون اساسی و حکام جدید با تضمین حقوق اقلیت‌ها تحقق یابد.

۵- همکاری مشترک قدرت‌های منطقه‌ای با هماهنگی و نظارت پنج قدرت عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل.

۶- سرمایه‌گذاری و کمک‌های وسیع اقتصادی جهانی برای تأمین نیازهای بشردوستانه و نیز بازسازی کشور بحران زده مشابه طرح مارشال برای بازسازی اروپا بعد از جنگ جهانی دوم.

۷- خروجی نتیجه برد-برد و آبرومندانه برای طرف‌های درگیر بعنوان نتیجه نهایی.

نتیجه نهایی باید برد-برد و آبرومندانه برای طرف‌های درگیر باشد چون بازی با حاصل جمع صفر و باخت یک طرف مخل صلح پایدار خواهد بود. وی گفت: این اصول می‌توانست صلحی پایدار برای افغانستان بعد توافقات کنفرانس سال ۲۰۰۱ در شهر بن آلمان در برداشته باشد. متأسفانه زیاده خواهی‌های آمریکا با تلاش در سلطه بلامنازع، نادیده انگاشتن منافع سایر قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و نیز تلاش برای حذف کامل برخی از بازیگران اصلی صحنه افغانستان بویژه ایران، موجب شد که بحران افغانستان ادامه یافته و طرح صلح کنفرانس بن هم به شکست منتهی شود.

عضو سابق گروه مذاکره کننده هسته‌ای ادامه داد: این اصول همچنان می‌توانست صلح و ثبات پایدار در عراق بعد از صدام را رقم زند لکن متأسفانه حمایت برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی از تروریسم تکفیری در عراق، اشتباه آمریکا در مورد اضمحلال کامل ساختارهای نظامی و امنیتی عراق بعد از صدام و نیز اتحاد مخفی اسرائیل و عربستان برای تجزیه کردستان عراق، موجب نابسامانی‌های امروز در عراق گردید.

پژوهشگر دانشگاه پرینستون تصریح کرد: درمورد خلیج فارس هم راه حل آخر چیزی بجز ایجاد یک "سیستم همکاری و امنیت جمعی در خلیج فارس" نیست. حضور ایران، عراق و عربستان و سایر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای شکل دادن چنین سیستمی نیز ممکن نخواهد بود مگر اینکه پنج قدرت جهانی عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل تلاش مشترک و همکاری فعال داشته باشند.

وی افزود: حرف آخر اینکه بحران‌های جاری در منطقه بحدی گسترش یافته که هیچ قدرت جهانی و یا منطقه‌ای به تنهایی قادر به حل و فصل آنها نیست. ما به یک مدل برای حل و فصل بحران‌ها نیاز داریم که برای طرف‌های درگیر آبرومندانه باشد، تبعیض آمیز نباشد و با حضور و همکاری مشترک همه قدرت‌های تأثیر گذار منطقه‌ای و جهانی باشد.

اروپام ۱۶۱۳**۵۴۹۱